

نگاهی به سریال گردن زنی

همه چیز کمرنگ و ناامیدکننده



محمد رشادیر
منتقد سینما

ماجرای اصلی را کند می‌کند. واقعیت این است که جز لباس مشک‌پوشیدن و گاهی یادآوری گذشته، موضوع قتل در این سریال کمرنگ شده. در این میان ورود یک مرد غریبه به خانه سوگواران و تبدیل شدن آن به یک جنازه، ماجرا را گنگ‌تر کرده است. پلیس آگاهی در بیرون از خانه مشغول رسیدگی به پرونده است، اما جز چند سکناس کوتاه وارد داستان نمی‌شود و مسأله احساسی پلیس با یکی از مقتولان، پیگیری پرونده را تحت‌الشعاع قرار داده است. از طرفی افراد خانواده مدام اصرار دارند یای پلیس به ماجراهای حاشیه‌ای باز نشود. بیشتر ابهامات در قصه گردن‌زنی از شکل روایت داستان به وجود آمده. قصه جنایی در روند شکل‌گیری جنایت و اتفاقاتی که به قتل منجر شده باید مبهم باشد و توسط تیم پلیس و در سیر داستان کشف شود اما مخاطب این سریال بیشتر درباره مسائل حاشیه‌ای این سریال گیج است و آنها برایش مبهم است. سریال که آغاز می‌شود، کلی شخصیت و موقعیت ناگهانی در تصویر ظاهر و گره اصلی سریال ایجاد می‌شود؛ بدون این‌که مخاطب اصلا فرصتی برای شناخت شخصیت‌ها و نسبت‌شان با یکدیگر داشته باشد. بازی بد بازیگران یکی از نکات عجیب سریال است. بازی بد بازیگران با سابقه‌ای که کمتر دیده شده اینچنین مقابل دوربین عجیب به نظر برسند! سریال گردن‌زنی از نظر فنی نیز وضعیت مناسبی ندارد. صداگذاری سریال چنگی به دل نمی‌زند و دوربین هم گاهی جایگاه مناسبی دارد و گاهی بیش از حد کلوزآپ است! دیالوگ‌های بد و کلیشه‌ای هم سریال را از تب و تاب انداخته است! در این ژانر، سرنوشت یاران و نیما در شب عروسی‌شان به طرز دراماتیکی تغییر می‌کند. آزادی ناگهانی شاهرخ، خلافکار سابقه‌دار این زوج را در گردنایی اتفاقی فرو می‌برد. با اشاره شدن به رازهای خانوادگی تاریک و پیچیده، زندگی آنها و اطرافیان‌شان به کلی دگرگون می‌شود. این رویدادها، باعث ایجاد داستانی نسبت‌باجنایی و پرکشش می‌شود، اما در عین حال باید بگوییم که به نظر می‌رسد سریال تلاش چندانی برای ارائه داستانی نوآورانه و جذاب نداشته است. به جای خلق یک دنیای جدید و درگیر کردن مخاطب، بیشتر به تکرار کلیشه‌های موجود، به ویژه ترازنی اختلاف طبقاتی پرداخته است. متأسفانه، حتی شخصیت‌هایی که قرار است نمایانگر دو طرف این اختلاف باشند، چندان باورپذیر از آب در نیامده‌اند. ایده اصلی سریال نیز چندان نوآورانه نیست و تلاش برای تلفیق آن با جامعه‌ای که به عنوان نماینده نسل پولدار معرفی شده، ناموفق بوده است. اولین برخورد مخاطب با دنیای سریال، تعیین‌کننده علاقه‌مندی او به ادامه داستان خواهد بود. در قسمت آغازین، مخاطب باید بتواند با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند، با فضای داستان آشنا شود و انگیزه‌ای برای دنبال کردن قسمت‌های بعدی پیدا کند. در قسمت اول سریال گردن‌زنی، کارگردان بجای این‌که با ظرافت پازل داستان را برای مخاطب بچیند، همه چیز را یکجا و به صورت مبهم روایت کرده است. این رویکرد باعث شده مخاطب پس از پایان قسمت اول، احساس سردرگمی و بیگانگی کند. ضمن این‌که، در قسمت اول سریال ناتوانی کارگردان در معرفی درست شخصیت‌ها و ایجاد پرسش‌های بی‌پاسخ کاملاً مشهود است. تدوین سریع و پر از کات‌های بی‌موقع که از نیمه دوم سریال آغاز می‌شود، ریتم اثر را به شدت متزلزل و مخاطب را خسته می‌کند. این حجم از پرش بین شخصیت‌ها و صحنه‌ها، به جای ایجاد فضایی مهلتب، فقط به اثر لطمه وارد کرده است. نهایت این‌که سریال گردن‌زنی گرچه ایده اولیه نسبتاً خوبی دارد، اما به دلیل ریتم کند، خرده روایت‌های زیاد و رعایت نکردن اصول ژانر، اثری ضعیف و ناامیدکننده بنظر می‌رسد.

نگاه ویژه جشنواره

«سینما حقیقت» به هوش مصنوعی

دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، در صحبت‌هایی به اهمیت هوش مصنوعی در سینمای مستند پرداخت. او اشاره کرد که این فناوری در سال‌های اخیر مورد توجه فیلمسازان قرار گرفته و جشنواره سینماحقیقت نیز از این موضوع غافل نبوده است. محمد حمیدی مقدم، با بیان این‌که سینمای مستند به حقیقت و واقعیت وابسته است، تأکید کرد که هوش مصنوعی، به عنوان یک عنصر ساخته شده

و مرتبط با خیال‌پردازی هنرمند، ممکن است در ظاهر با این نوع سینما تناقض داشته باشد. او همچنین هشدار داد که هوش مصنوعی می‌تواند به جعل اسناد و تولید محتوای غیرواقعی در مراحل پژوهش و تولید فیلم مستند منجر شود و به این ترتیب، تهدیدی برای این حوزه باشد. بااین حال، دبیر جشنواره بر لزوم توجه به هر دو جنبه تهدیدزا و فرصت‌محور هوش مصنوعی تأکید کرد. یکی از کارگاه‌های آموزشی این دوره

و مرتبط با خیال‌پردازی هنرمند، ممکن است در ظاهر با این نوع سینما تناقض داشته باشد. او همچنین هشدار داد که

هوش مصنوعی می‌تواند به جعل اسناد و تولید محتوای غیرواقعی در مراحل پژوهش و تولید فیلم مستند منجر شود و

به این ترتیب، تهدیدی برای این حوزه باشد. بااین حال، دبیر جشنواره بر لزوم توجه به هر دو جنبه تهدیدزا و فرصت‌محور

هوش مصنوعی تأکید کرد. یکی از کارگاه‌های آموزشی این دوره

سینما علیه نسل‌کشی

رشید مشارای عقیده دارد اهمیت اصلی در فیلم‌های فلسطینی، بیان دردها و رنج‌های

ملت آواره فلسطین است، نه ژانری که به تعریف این مصیبت‌ها می‌پردازد

امید به پایان اشغالگری

البته سفر اودیسه‌وار سامی در پس زمینه‌اش موضوع تجاوز اسرائیل و واقعیت‌های تلخ اشغال سرزمین فلسطین را با خود دارد و این موضوع، تأثیرات خاص خود را بر این سفر می‌گذارد. اما داستان فیلم مشخصا در ارتباط با این موضوع نیست. با وجود جنگ و کشتار و آوارگی، لحن داستان فیلم امیدوارکننده است و پیام امید می‌دهد. این نکته‌ای است که مشارای روی آن تأکید زیادی دارد و با اصرار درباره‌اش صحبت می‌کند: «برای فیلمسازان فلسطینی ساختن فیلمی ژال و واقعگراییسایر سخت و دشوار است. زمانی که چیزی به نام امید وجود ندارد و شاید یاس و تردید فضای عمومی جامعه راد خودمی‌گیرد، این وظیفه سینما و هنرمندان آن است که دست به خلق آن بزنند. باید با فیلم‌های مان این نکته را به مردم نشان دهیم و کمک کنیم تا آن را لمس و باور کنند. باید به امید باور داشت، زیرا امید یکی از راه‌های مهم مقاومت در برابر سلطه و تجاوز است. بخشی از مقاومت ما همین امیدی است که به آینده داریم. بعد از سال‌های طولانی اشغال، هنوز هم نور امید در دل ما زنده است. دلش چیست؟ ما فردا و آینده را دوست داریم و مطمئنیم که بالاخره یک روز صاحب سرزمین خود شده و آوازی به پایان می‌رسد.»

فیلمبرداری چالش برانگیز

مشارای تمام صحنه‌های فیلمش را در مکان‌های واقعی در کرانه باختری رود اردن، بیت‌لحم و حيفا فیلمبرداری کرد. کار فیلمبرداری در این مناطق به‌شدت چالش برانگیز بود: «می‌دانستم که مشکلات زیادی رویه‌رو خواهیم شد و از مواجهه با آنها شگفت‌زده نمی‌شدم. این کار سختی‌های خاص خودش را داشت. باید از قبل تمام کارها را برنامه‌ریزی می‌کردم و از قبل می‌دانستم قرار است چه کارهایی انجام دهیم. واقعیت این است که ما تمام تجهیزات خود را با بازیگران و عوامل صحنه گرفته تا دوربین فیلمبرداری و نور را از خارج از فلسطین با خود آورده بودیم. هیچ اطمینانی وجود نداشت که سربازان اسرائیلی در کارمان ممانعت و سنگ‌اندازی نکنند. به همین دلیل، برای کار

با عنوان «هوش مصنوعی و چالش اعتماد؛ جنبه‌های فلسفی و اجتماعی» به این موضوع پرداخته و توسط امیرحسن موسوی و سروش زرگریاشی ارائه خواهد شد. حمیدی مقدم همچنین بر ضرورت آگاهی مدیران جشنواره‌ها و شرکت‌های فیلمسازی نسبت به هوش مصنوعی تأکید کرد و گفت که این فناوری فرصت‌های زیادی در گونه‌های پرتره و بازسازی وقایع فراهم می‌آورد.

و همچنین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» در این دوره، بخش ویژه‌ای به فیلم‌های غزه اختصاص داده که شامل ۲۲ فیلم کوتاه از پروژه «از نقطه صفر؛ داستان‌های ناگفته‌ای از غزه» به کارگردانی رشید مشارای است.

این آثار شامل فیلم‌های متنوعی است که هرکدام به نوعی به روایت زندگی و چالش‌های مردم غزه می‌پردازد.

از جمله این فیلم‌ها می‌توان به «عکس‌های سلفی» ساخته ریمما محمود، «بدون سیگنال» به کارگردانی محمد الشریف و «من را ببخش سینما» ساخته احمد حسونا اشاره کرد.

همچنین فیلم‌هایی چون «فلش بک» به کارگردانی اسلام الزریعی و «اکو» اثر مصطفی کولب نیز در این بخش به نمایش در خواهد آمد. دیگر آثار شامل «همه چیز خوبه!» ساخته نینال دامو، «پوست لطیف» اثر خمیس مشهراوی و «افسون» به کارگردانی بشار آل‌بالیسی است.

این جشنواره فرصتی است تا صدای سینماگران غزه شنیده و داستان‌های ناگفته آنها به مخاطبان ارائه شود.

اصرار بر لوکیشن واقعی

با وجود تمام مشکلات و موانع بر سر راه فیلمبرداری، فیلمساز اصرار داشت فیلمش را در لوکیشن‌های واقعی فیلمبرداری کند: «این کار حیاتی بود و نمی‌توانستم کار دیگری کنم. به تماشاگران فلسطینی‌ام فکرمی‌کردم و می‌دانستم این کار را باید به‌خاطر و برای آنان انجام دهم. آنها با تمام این مناطق و لوکیشن‌ها آشنایی دارند. می‌دانند باید از کدام مسیر رد شوند و در کدام ایست بازرسی توقف کنند. قصدم فیلمبرداری کارت پستالی لوکیشن‌های واقعی نبود. این لوکیشن‌ها روح داستان را به خوبی بیان و تعریف می‌کردند. قصدم نشان دادن زیبایی‌هایی بود که اسرائیلی‌ها نابود کرده بودند و می‌کنند. نمی‌خواستم این زیبایی‌ها را به شکلی توریستی به نمایش بگذارم. این در حالی است که جایی مثل بیت‌لحم جزو بهترین و زیباترین مکان‌های توریستی دنیاست،»

فیلمسازی از غزه

مشارای که خودش را پشت و وابسته به غزه می‌داند، اوایل سال جاری میلادی تهیه‌کننده مستند «از زیر صفر» درباره این شهر بود که شامل تعدادی فیلم کوتاه از فیلمسازان مختلف می‌شود. او به‌نقش اجتماعی خودش به عنوان یک فیلمساز اشاره کرده و می‌گوید پیش از هر چیز یک فیلمساز متعهد است که باید داستان زندگی مردم کشورش را برای جهانیان به تصویر بکشد: «در چنین شرایط دشوار و پیچیده‌ای، ما به همدستی نیاز داریم. من سینما را دوست دارم و می‌خواهم به عنوان یک فیلمساز مورد خطاب قرار گیرم. فیلمسازی عرب‌تبار و فلسطینی که از غزه می‌آید.»



مصر رفته‌اند و در صنعت سینمای این کشور فعالیتند. یکی از آنها اسکندر کویتی است که به‌تازگی با ساختن فیلم درام اجتماعی «تعطیلات خوش» زندگی سخت مردم کشورش را در مناطق اشغالی فلسطین روایت می‌کند و تجربیات‌شان را با دیگران به اشتراک می‌گذارد. سرمایه‌گذاران مصری در حالی به مسأله فلسطین ورود کرده‌اند که سیاست‌های این کشور، به‌ویژه در بخش فرهنگی در دست صهیونیست‌هاست و رژیم اشغالگر قدس سال‌ها با نفوذ در سینمای فلسطین روح آزادخواهی این کشور عربی را از بین برده بود اما پس از طوفان الاقصی برخی سرمایه‌گذاران فرهنگی در مصر تلاش می‌کنند به‌موضوع فلسطین کشور همسایه‌شان بیش از گذشته توجه کنند.

دارای عمق و مفهوم باشند تا واقعیت‌های تلخ زندگی فلسطینی‌ها را به بقیه مردم جهان به نمایش بگذارم. در این رابطه، هر آنچه که جوانان و نوجوانان جهان عرب را درگیر خود می‌کند، مرا نیز درگیر می‌کند.»

از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار بر سینمای عرب، سینمای مصر است. سینمای این کشور گرچه جلال و اقبال چند دهه قبل را ندارد، همچنان در سرزمین‌های عربی مورد توجه است. افکار عمومی این کشور به دلیل همسایگی با باریکه غزه، بسیار تحت تأثیر حوادث فلسطین است و به همین دلیل هنرمندان مصری نیز سعی دارند، روایت‌های مردم فلسطین و رابطه تاریخی آنها با مصر را به تصویر بکشند. ضمن این‌که تعداد زیادی از فیلمسازان مهاجر فلسطینی به

رویداد

نقش سینما در بازنمایی تصویر سیستان

استاندار سیستان و بلوچستان در دیدار مجید مجیدی، از کارگردانان مطرح سینمای کشور، خواستار آن شد که سینما در ارائه چهره‌ای پویا و روشن از سیستان و بلوچستان، فعال‌تر شود. مجید مجیدی نیز با اشاره به ظرفیت‌های گسترده و بکر سواحل مَکُران افزود: این منطقه، مقصد مناسبی برای فیلمسازان بوده و معرفی فرهنگ قوم بلوچ و سبک‌سنی‌ات را با همراهی نخبگان در این فیلم خواهیم داشت. معاون استاندار سیستان و بلوچستان و فرماندار ویژه چابهار نیز اظهار کرد: در طول سال‌های فاختری در چابهار توسط کارگردانان ساخته می‌شود که نشان از ظرفیت و پتانسیل این شهرستان در کشور است.

جواد سپاهی افزود: استقبال از کارگردانان و فیلمسازان برای ساخت فیلم در چابهار، جهت معرفی فرهنگ و هنر با هدف دیده شدن جوانان با استعداد و معرفی ظرفیت‌های این منطقه است. وی به نمایش گذاشتن دغدغه‌های روز مردم، عدالت اجتماعی و ظرفیت‌های بومی را از نیازهای توسعه فرهنگی منطقه عنوان کرد و گفت: این کار به معنی ورود گردشگر و کارآفرین در حوزه گردشگری و سایر حوزه‌های فرهنگی است.



بازگشت کیمیایی به سینما

جدیدترین فیلم مسعود کیمیایی که سه سال قبل در جشنواره فیلم فجر رونمایی شد از روز گذشته ۱۶ آذر میزبان علاقه‌مندان به آثار این فیلمساز برجسته ایران است. «خان‌کشی» بهمن ۱۴۰۰ در چهلمین جشنواره فیلم فجر با روایت قصه‌ای جنایی و تاریخی که مسعود کیمیایی در آن اتفاقی سیاسی – تاریخی را موریت اصلی روایتش قرار داده، به نمایش درآمد. این فیلم در چهلمین جشنواره فجر نامزد دریافت شش جایزه بود و سیمرغ بلورین بهترین طراحی لباس را کسب کرد.



سینماحقیقت

مستندهای غزه در تهران

هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» در این دوره، بخش ویژه‌ای به فیلم‌های غزه اختصاص داده که شامل ۲۲ فیلم کوتاه از پروژه «از نقطه صفر؛ داستان‌های ناگفته‌ای از غزه» به کارگردانی رشید مشارای است. این آثار شامل فیلم‌های متنوعی است که هرکدام به نوعی به روایت زندگی و چالش‌های مردم غزه می‌پردازد.

از جمله این فیلم‌ها می‌توان به «عکس‌های سلفی» ساخته ریمما محمود، «بدون سیگنال» به کارگردانی محمد الشریف و «من را ببخش سینما» ساخته احمد حسونا اشاره کرد.

همچنین فیلم‌هایی چون «فلش بک» به کارگردانی اسلام الزریعی و «اکو» اثر مصطفی کولب نیز در این بخش به نمایش در خواهد آمد. دیگر آثار شامل «همه چیز خوبه!» ساخته نینال دامو، «پوست لطیف» اثر خمیس مشهراوی و «افسون» به کارگردانی بشار آل‌بالیسی است.

این جشنواره فرصتی است تا صدای سینماگران غزه شنیده و داستان‌های ناگفته آنها به مخاطبان ارائه شود.